

درآمدی بر

برنامه ریزی آموزش عالی دین

نجف علی میرزایی

مقدمه و تقریظ:

حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا نوراللهیان

ترجمه:

نورالهدی توفیق علی زاهدپور

سرشناسه: میرزایی، نجفعلی، ۱۳۴۲.
 عنوان قراردادادی: عنوان اصلی: دلیل معهد الرسول الاكرم العالی للشریعه والدراسات الاسلامیه، فارسی. برگزیده.
 عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر برنامه ریزی آموزشی عالی دین / نجفعلی میرزایی.
 مقدمه و تقریظ: محمدرضا نوراللهیان. ترجمه: نورالهدی توفیق، علی زاهدپور
 مشخصات نشر: قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیّه خارج از کشور، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص.
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: ص [۳۴۱] - ۳۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: اسلام - راهنمای آموزشی (عالی). موضوع: حوزه های علمیّه - برنامه ریزی.
 موضوع: برنامه ریزی آموزشی - ایران
 شناسه افزوده: توفیق، نورالهدی: مترجم. شناسه افزوده: زاهدپور، علی: مترجم.
 شناسه افزوده: نوراللهیان، محمدرضا: مقدمه نویس.
 شناسه افزوده: سازمان حوزه ها و مدارس علمیّه خارج از کشور.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۵۸۰۴۳ ۹۲ م ۷/۷۱. BP. رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷.
 شماره کتابخانه ملی: ۱۰۴۵۴۵۵



✻ درآمدی بر برنامه ریزی آموزش عالی دین

- * مؤلف: میرزایی، نجفعلی
- * مترجم: نورالهدی توفیق و علی زاهدپور
- * ناشر: سازمان حوزه ها و مدارس علمیّه خارج از کشور
- * قطع و صفحات: وزیری / ۳۵۰
- * نوبت چاپ: اول
- * تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۶
- * چاپخانه: برهان
- * شمارگان: ۲۰۰۰
- * قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال
- * شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱۳-۵۸-۶

فهرست اجمالی

۵	فهرست اجمالی
۷	پیش‌گفتار به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان
۱۷	فصل اول: در آمدی بر پژوهش ضمن تحصیل
۱۷	آموزش عالی دین
۲۷	بخش اول
۴۵	بخش دوم
۵۵	پیوست‌ها
۶۵	فصل دوم: برنامه درسی مرکز آموزش اسلامی رسول اکرم (ص)
۶۷	بخش اول
۹۵	بخش دوم
۱۳۳	بخش سوم
۱۵۱	بخش چهارم
۱۷۱	بخش پنجم
۱۹۹	بخش ششم
۲۱۷	بخش هفتم
۲۴۳	فصل سوم: ارزشیابی و آزمون
۲۴۵	بخش اول
۲۷۳	بخش دوم
۲۸۷	بخش سوم
۳۴۱	فهرست منابع
۳۴۵	فهرست تفصیلی

پیش‌گفتار

به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین محمد رضا نوراللهیان *

انقلاب اسلامی، فراتر از یک جنبش و نهضت سیاسی بوده و هست، زیرا غالب اندیشه‌های بنیادین و راهبردی آن برگرفته از آرمان‌های دین اسلام و البته مبتنی بر فهم و اجتهاد ویژه و کاملاً اجتماعی و انسانی است.

به‌طور طبیعی این حادثه، بزرگترین تحول اجتماعی قرن پیشین و در حقیقت عظیم‌ترین تهدید جدی علیه نظام‌های وضعی غربی و شرقی و درعین حال گسترده‌ترین فرصت برای بازسازی آن‌ها به سود انسان معاصر شمرده می‌شود. اما صرف حرکت سیاسی بدون پشتوانهٔ تئوریک دینی که خود محصول منابع انسانی-اسلامی سازگار با تجربهٔ دینی سیاست است، جهت تحقیق آرمان‌ها کافی نبوده و نیست. تجربه‌های سترگ اجتماعی هر قدر که عظیم و گسترده هم باشند، تا زمانی که منابع مولد معرفت و کادری علمی کارآمد در تولید اندیشه‌های تمدنی سازگار با آن تجربه‌ها، دوش‌به‌دوش حرکت نکنند و پیوند عینی و نظری، ثابت و متغیر و رابطهٔ میان فلسفه‌های نظری و عملی آن را با ظرافت و حکمت و اعتدال رهبری نکنند، همواره خطر فروریزی آرمان‌ها و ناکامی تجربه‌ها و حتی انقراض و سستی بنیادین آن‌ها قابل تصور است.

چنان‌که، به هر میزان که این نهضت‌ها و تحولات اجتماعی و مبانی آرمانی آن‌ها به سطح رویکردهای تمدنی نزدیک‌تر باشد، شاخصه‌های برنامه‌های تربیتی کادر انسانی آن‌ها هم دشوارتر، حساس‌تر، پیچیده‌تر و حیاتی‌تر است.

انقلاب اسلامی ایران در میان تحولات ریشه‌ای دنیای اسلام، به حق، قلهٔ برتر بیداری اسلامی در قرن گذشته است. برای بقای عزیزانه، مقتدرانه و کارآمدانهٔ این نهضت بزرگ

هیچ چاره‌ای نیست جز این که در نظام آموزش عالی دین که عهده‌دار تأمین منابع انسانی با رویکردهای اولاً: تمدنی، جهانی، عقلانی و انسانی و ثانیاً تولید علم و نظریه است، تحول و تطور عظیم رخ دهد. زیرا نظام سنتی آموزش، تربیت و پژوهش، گرچه در عصر محکومیت اجتماعی- سیاسی اندیشه دینی پرسود و کارآمد بوده و ثراث ارجمند و مبارکی از دل آن برون آمده و مایه حفظ اسلام و میراث‌های علمی آن گشته اما بی‌تردید در عصر حاکمیت اجتماعی و سیاسی اندیشه دینی معاصر، فاقد توانمندی‌های لازم برای پشتیبانی تئوریک و عملی نظام است. حضرت امام خمینی ره، نمونه مجسم و عینی تحول‌طلبی در عرصه اجتهاد و فهم اجتماعی و کارآمد دینی در عصر حاکمیت دینی تلقی می‌گردد و این تصور درستی است. چنان که از دل اندیشه‌های نوین این مجتهد بی‌نظیر براحتی، راهبردها و استراتژی‌ها و حتی سازوکارهای نظام کارآمد آموزش و تربیت عالی دین استخراج می‌شود.

سازمان حوزه‌ها و مدارس علمی خارج از کشور، مبتنی بر همین درک و احساس از نیازسنجی علمی و عملی انقلاب بویژه در بخش آموزش، پژوهش و تربیت و بالأخص ناظر به تأمین کادر انسانی دینی با شاخصه‌های ویژه جهانی، عقلانی، انسانی و البته اصیل و مستحکم، حرکت جهانی خود را با رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و پشتیبانی گسترده و آگاهانه معظم‌له آغاز کرده است.

درمیان ده‌ها تجربه فرامرزی سازمان، بنیاد آموزش عالی الرسول اکرم و الزهرا در بیروت بویژه با ابتکار عمل در تأسیس مرکز ویژه‌ای برای مطالعه و بازسازی نظام آموزش عالی دین و البته با ملاحظه ویژگی‌های خاص جهانی و منطقه‌ای در لبنان، نزد نخبگان اسلامی شناخته‌تر است.

مجله تخصصی اسلامی الحياة الطیبة مجله‌های النجاة و الکلم الطیب ویژه تحقیقات طلاب این دو حوزه علمیه، نشر کتاب‌های متنوع دیگر درهمین راستا در کار طراحی و تدوین نوین نظام‌های ارزشیابی، پذیرش، تربیت، پژوهش، متون جدید عربی، نظام پایان‌نامه‌های طلاب در مقاطع مختلف از جمله حرکت‌های این مراکز است.

کتاب حاضر برگردان فارسی بخشی از دلیل معهد الرسول الاکرم للدراسات الإسلامية است، ستاد سازمان تلاش خواهد کرد که این آثار، اندک اندک، تماماً به فارسی و در صورت امکان به انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه شوند، شاید برآیند انتقال تجربه میدانی و فرامرزی سازمان و مراکز حوزه‌های آن که عینی‌تر از غالب تجربه‌های حوزوی است مورد

استفاده کارشناسان برنامه‌ریزی حوزوی قرار گیرد. این برنامه‌ها در چند سال مورد آزمون قرار گرفته و نتیجه اجرای دوره چهار ساله نخست آن دست کم ۵۰ نفر دانشجو و طلبه صاحب مهارت‌های معاصر علمی است. غالب آنان در مطبوعات عربی فعالیت دینی می‌کنند و متصدی تدریس علوم اسلامی در مراکز دینی لبنان‌اند و در عین حال در مقاطع عالی حوزوی ادامه تحصیل می‌دهند.

در پایان، از مدیریت وقت حوزه الرسول الأکرم و همکاران وی در بینادگذاری این حرکت سپاس‌گذاری می‌کنم و از خدای متعال برای همگی توفیق خلوص عبادت می‌طلبم.

والسلام علیکم ورحمة الله
محمد رضا نوراللهیان

سخن مرکز

برای انسان منصف و آزاداندیش، درک این مسئله چندان دشوار نیست که حوزه‌های علمیه، بزرگ‌ترین مرکز گسترش‌دهنده علوم اسلامی برخاسته از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛ از حدود هزار سال پیش، حوزه‌های علمیه در پاس‌داشت دین، حفظ مبانی و ارزش‌ها و اخلاق و نیز محافظت از روش و سیره ترسیمی خاندان عصمت و طهارت، مسؤولیت مقابله با جریان‌های فکری و سیاسی منحرف و گمراه را بر عهده داشته‌اند.

فعالیت حوزه‌ها البته، تنها تبلیغ و تبیین شریعت اسلام و تقویت آن نبوده، بلکه با تألیف نوشته‌های ارزشمند بی‌شمار و تدوین دانش‌نامه‌های فراوان، میراث ارزنده علمی - اسلامی را نیز در عرصه‌های گوناگون پربارتر کرده، است.

بر این اساس، طبیعی است که مباحث مربوط به این بنای رفیع، از اهمیت بسیار و در عین حال، حساسیت فراوان برخوردار باشد، به گونه‌ای که ما را بر آن می‌دارد، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های پیشنهادی را با بررسی و درنگی هر چه بیشتر ارائه نماییم؛ هم‌چنین سوئے احتیاط و تأمل را پیشه سازیم تا به نتایجی واقع‌گرایانه دست یابیم که فرآیند تحول و توسعه را ایجاد کند؛ و بالاخره، نظرگاه‌هایی شفاف و واضح را خاستگاه فعالیت خویش قرار دهیم که در پشتیبانی روند اصلاح و پویایی هر چه بیشتر آن، سهمیم باشد، و به دنبال غریبه‌هایی روان نشویم که صاحبان آن، جز تضعیف حوزه و آسیب به اهداف اصیل آن - که برایشان خطرساز است - در سر ندارند.

در این میان، مقوله تردیدناپذیر آن است که حرکت و تحول، عامل اصلی پویایی افکار و مبانی به‌شمار رفته و ضامن حیات نهادهای فکری و حافظ توانایی آنها بر استمرار روند رو به پیشرفت خویش است.

از این منظر، هیچ اندیشه یا اندیشمندی نمی‌تواند جامعه را از روح زمانه محروم سازد؛ و نیز نخواهد توانست جامعه را به سویی بکشد که مبانی و رویکردی بدون در نظر گرفتن واقعیات موجود را، برگزیند.

اندیشه‌ای که نتواند هم‌پای زمانه گام بردارد، و از پاسخ‌گویی به نیازهای زندگی

ناتوان باشد، در حقیقت اندیشه‌ای است مرده؛ زیرا تحرکی ندارد؛ و آن چه جمود و خمود یابد، قطعاً همه چیز را به فنا خواهد برد.

حال، اگر نهاد حوزه بر آن است تا پویا و فعال و به جهان توجه داشته باشد، واقعیت را دریابد و عناصر تکوین خویش - درست یا نادرست - را به نقد کشد، سخت نیازمند آن است که با زمانه‌ها، دستاوردها و بایسته‌های آن، بدون هیچ گونه تعللی به تعامل برخیزد.

ما آنگاه که برگ‌های تاریخ گذشته حوزه‌های علمیه را ورق می‌زنیم، بس تابناک و درخشانش می‌یابیم. و به شیخ الطائفه طوسی، علامه حلی و بسیاری دیگر هم‌چون این دو بزرگوار، فخر و مباهات می‌کنیم؛ چرا که توانستند مکاتب فکری خویش را به قله کمال رسانده، کاملاً هم‌گام با عصر خویش حرکت کنند، و با حفظ اصالت روح حوزه و ثبات آن، بر واقعیات موجود نیز جفا نکنند و از زمانه خویش گسست نیابند.

اما واقعیت در هر دوره، چیزی را بر حوزه تحمیل می‌کند که شاید چرخه حیات در دیگر دوره‌ها آن را نطلبد. پویایی حوزه هم، در میزان توانایی آن بر ارائه دستاوردی متناسب با دوره‌ای که در آن زندگی می‌کند است. بدین معنا و از این خاستگاه، تجدد یا مدرنیته - در حقیقت - عینیت یافتن گفتگویی است انتقادی میان «حوزه» و فضایی که در آن به سر می‌برد. امری که در نهایت به نوعی کنش‌مندی مثبت منتهی می‌شود.

شک نیست که از اولین بایسته‌های گفتگو، «زبان»ی است که طرفین گفتگو بتوانند به وسیله آن با یکدیگر ارتباط برقرار سازند و به تفاهم برسند. مرحله دوم موضوعی است که پیرامون آن، بحث صورت می‌گیرد و در فرجام، مبانی فکری، عقیدتی و روحی گفتگوگران است؛ از این رو، تلاش گفتگوکننده برای تأثیر بر طرف دیگر، اگر تنها بر کاربست زبان مشترک و داشتن موضوعی متقن بنا نهاده شود و مبانی فکری و عقیدتی و ویژگی‌های شخصیتی آن سوی گفتگو در نظر گرفته نشود، ثمری جز شکست و ناکامی در پی نخواهد داد.

در هیچ دوره‌ای چنان عصر حاضر، این نهاد علمی سیر قهقرا نداشته است. کسی شک ندارد که مسؤولیت حوزه و دامنه فعالیت آن، مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد؛ زیرا دعوت و تبلیغ حوزه، از شمولیت و همه‌جانبه بودن امامت برگرفته شده است. بنابراین، تردید نیست که مسؤولیت حوزه‌های علمیه، از چارچوب منطقه‌ای فراتر رفته و - خواسته یا نخواست - دامنه‌ای جهان‌شمول و عام دارد.

اما مقصود ما از دعوت به عصری شدن حوزه - به معنای پویایی آن - نه حرکت در محتوا و تحول در درون‌مایه است، که معتقدیم این عصری شدن، باید وسیله‌ای باشد برای هماهنگ ساختن ابزار بیان با مبانی فکری و اصول اعتقادی، بدون ذره‌ای دست کشیدن از ارکان و اصول. پس عصری شدن در بستر حوزوی آن، کاربست وسائل و ابزار

نوینی است که اصول و مبانی را محافظت می‌کند که بدون آن، گوهر حوزه، به نهادهای مرده و تهی از هر گونه رابطه با رخدادهای زندگی بدل می‌شود.

این مفهوم، امری برخاسته از حقایق و اصول دینی نیست، بلکه آن‌چه آن را بایسته می‌گرداند، ضرورت مفاهمه با گرایش‌های فکری جامعه در هر دوره و عصر و تعامل انعطاف‌پذیر با نیازهای جامعه است؛ البته به شرط آنکه به ثوابت اسلام خدشه وارد نشود.

مسئولیت ما در اهتمام به نیازهای عصر و انسان معاصر و بررسی اندیشه‌ها، رفتارها، رویکردها و شناخت آرمان‌های وی، برخاسته از همین رویکرد است. آن نیز به منظور برنامه‌ریزی برای تحرک حوزه است که حوزه نیز اگر بخواهد به وظیفه خود عمل کند و رسالت خویش را به بهترین وجه انجام دهد، باید از همین بستر حرکت کند؛ از این رو لازم است از وضعیت امت اسلام و بلکه از آن فراتر، وضعیت هر انسانی در هر گوشه جهان آگاهی پیدا کنیم؛ زیرا همه انسان‌ها در هر مکان که باشند - با بینش و نگرش مذهبی و دینی گوناگون - از قلمرو مسئولیت ما بیرون نیستند.

انسان، گاه احساس می‌کند که نهاد حوزه با وجود فعالیتی که دارد، همچنان در خود فرو رفته و بی‌توجه به نیازهای عصر و آن‌چه در جهان روی می‌دهد، گوشه عزلت و انزوا گرفته است. ما در دنیایی آکنده از تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون زندگی می‌کنیم و در مواجهه با تضارب افکاری هستیم که وجه مشترک آنها، تنها و تنها دشمنی با اخلاق و ستیز با ارزش‌های معنوی گرانقدری است که اسلام بدان دعوت می‌کند.

اکنون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که سخت‌ترین دشمنان دین اسلام، تمام ابزار و فناوری علمی پیشرفته را - که خداوند به بشریت عطا کرده است - برای از میان برداشتن این دین حنیف به‌کار گرفته‌اند.

ما در این وضعیت خطرناک، سخت نیازمند جنبشی مدرن هستیم، اما متأسفانه حوزه‌های ما، در تمام ابعاد و ساحت‌ها از آن تهی هستند. ما نیازمند چنین جنبشی هستیم تا فرآیند آگاهی‌بخشی و روشنگری با اوضاع کنونی متناسب گردد، و اقدامات آموزشی و تربیتی حوزه، در سطح چالش‌های زمانه ارتقا یابد؛ و برای آن که نهادهای دینی بتوانند با عصر خویش تعامل داشته باشند، باید - و این چیزی است که دوران کنونی تحمیل می‌کند - به ایجاد مراکزی مبادرت ورزند که در برابر فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها، شخصیت‌ها و مؤسسات فکری مختلف در تمام نقاط جهان، اطلاعات گسترده‌ای را فراهم آورند تا مقابله و رویارویی، بر مبنایی علمی و به صورت حساب‌شده صورت پذیرد. و از آن جا که برآیند عصری شدن باید تمام ارکان حوزه را دربرگیرد، ناگزیر متون درسی حوزه نیز در این فرآیند قرار می‌گیرد. پس لازم است متون حوزوی ناظر به نیازهای عصر و با روند اتحاد و وحدت امت اسلام، هم‌نوا باشد.

هم‌چنان‌که بایسته است فرآیند تدوین روش‌های آموزشی، با در نظر گرفتن جدیدترین تحولات علمی در عرصه آموزش و روان‌شناسی صورت پذیرد؛ زبان آن هم، به سبکی جذاب و زنده باشد تا با نیازها و سطح فرهنگی و ادبی هر کشور هماهنگ باشد. با اینکه اغلب کتاب‌های درسی به یک زبان - که همان عربی باشد - نوشته شده است اما، مشاهده می‌شود زبان به کاررفته، با ساختار عربی معاصر همخوانی ندارد.

گرایش مادی‌گرایانه‌ای که بشریت بدان روی کرده و تمایل انحرافی که انسان به سکولاریسم و لیبرالیسم یافته، موانعی را در برابر اندیشه‌ورزی انسان قرار داده است؛ انسانی که به خود اجازه داده در هر آن‌چه خواهد ژرف‌کاوی کند؛ و چنین انسانی با این ویژگی‌ها، سخت نیازمند مدارا و تفاهم است.

مهم‌تر آنکه این حالت، بر مبلغان لازم می‌کند بر تمام ابعاد روحی و فکری مخاطب احاطه یابند؛ به ویژه آنکه وی، به ضوابط دینی ملتزم نیست و لزومی نمی‌بیند برای خود یا دیگری شبهه نیافریند.

جلوگیری از ابهام

جهت وضوح هر چه بیشتر و رفع ابهام، ضرور است بر پاره‌ای از نکات مهم که مرتبط با سنت و مدرنیته است، نظری بیفکنیم:

نخست. اصلاح و تغییر در روند حوزه‌های علمیه، در عمق جریان نمی‌یابد، بلکه روش‌ها و ابزار را دربرمی‌گیرد تا بتوان با آنها، به نتیجه مطلوب، آن هم به بهترین وجه دست یافت.

در این راستا، لازم است حوزه‌ها بسیاری از راه‌های تماس خویش با مخاطبان را متحول و دگرگون سازند؛ زیرا این منافذ، با زمانه هم‌نوا نیستند و همین امر، سبب می‌شود نیازهای فکری و خلأهای علمی موجود را در نظر نداشته باشند و در نتیجه، نتوانند با واقع انطباق یابند.

خطبای نخست باید نیازها و پرسش‌ها را درک کنند و این امر، بر پاسخ‌یابی و راه‌حل‌جویی مقدم است، و گر نه، ارائه جوابی ساده پیش از روشن شدن صورت مسأله، در بسیاری از اوقات، نتیجه معکوس می‌دهد.

حوزه نمی‌تواند بدین سطح از کارکرد برسد، مگر آنکه نهادهای متعددی را پی‌افکند تا به تربیت مبلغان پرداخته، آنان را بر پایه رفع نیازهای هر کشور و پاسخ‌گویی به مشکلات آن آماده سازند.

دوم. منکر آن نیستیم که پاره‌ای از منادیان امروزی و عصری کردن حوزه، در ورای این شعار، به دنبال ایجاد تغییرات بنیادین و تحولاتی همه‌جانبه‌ای هستند که اصول و ارکان را دربرگرفته، به مبادی و مبانی خدشه وارد می‌سازد و به جایگاه حوزه و میراث و ثابتات آن توجهی ندارند.

این منادیان برآنند که ماهیت حوزه و عقائد و مبانی آن - که لیبرالیسم منحرف فکری را طرد کرده و زیر چتر سکولاریسم مدرن در نمی‌آید - را از همراهی با تحولات عصر، پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و علمی و پرکردن خلأ فرهنگی ناتوان، و در تأمین نظام اندیشه‌ای ثابت و حل بحرانه‌های عقلانی ناکارآمد نشان دهند. اینان برآنند تا مقدمات کنار زدن حوزه را فراهم کرده، آن را در جایگاهی حاشیه‌ای در جامعه قرار دهند.

ما از حوزه می‌خواهیم که تحرکی مثبت و تأثیرگذار و به دور از بی‌ثباتی و رویکردهای سست را آغاز کند. و انتظار داریم که تعامل با عصر و زمان، بر اساس طرح‌هایی هم‌خوان با مبانی حوزه باشد و در عین حال، نیازهای عصر را هم پاسخ گوید؛ چرا که ساختار حوزه، هم دربردارنده ثروتی گران‌سنگ، برگرفته شده از دین اسلام است، و هم به اندازه کافی، از اصالت و ژرفایی برخوردار است؛ جز آن‌که انزوا و عدم پویایی، هر دو سبب شده‌اند تا جمود فکری پدید آید و این ثروت گران‌قدر و چنین سرمایه‌هنگفتی، به بهره‌برداری نرسد.

سوم. ما خواهان آن نیستیم که حوزه از عمق و ژرفایی خود دست بشوید یا از مبانی اصیل خویش واپس نشیند؛ چنان‌که اصالت را هم به قیمت از دست دادن عصری شدن و امروزی گشتن نمی‌خواهیم و به این دو نیز اهمیت می‌دهیم، در عین حال که اصالت حوزه، مانعی از ورود آن به معركة زندگی و فرورفتن در عمق آن در ادوار مختلف به شمار نمی‌رود.

سه رویکرد

اکنون، در برابر تحول و بازنگری، سه گروه و بالتبع سه رویکرد در حوزه‌های علمیه وجود دارد که ذیلاً بدان اشاره می‌شود:

رویکرد اول

بر آن است که روش‌های علمی و متون درسی کنونی حوزه و فعالیت آن، برای مواجهه با زندگی و عرضه اسلام کافی است. روشن است که اینان، فاقد چشم‌اندازی هستند که از طریق آن بتوان بر واقعیت‌های جهان، دین اسلام و اوضاع مسلمانان اشراف داشته باشند.

رویکرد دوم

طرفداران آن معتقدند که حوزه، سخنی برای ارائه به جامعه ندارد و قافله زمان چنان از آن گذشته که اکنون، به موجودی کهنه و یادگاری از گذشته دور بدل شده است. آشکار است که این گرایش، در نگرش خود، تحت تأثیر آمیزه‌ای از اندیشه لیبرالیسم غربی و سکولاریسم و نیت‌های خبیث استعماری است. به دلیل آنکه چنین دیدگاهی،

اغلب در محیط‌های غرب‌زده و از جاهایی برمی‌خیزد که پویایی حوزه را مخالف با منافع خود می‌بینند.

رویکرد سوم

معتقد به توازن و اعتدال است به طوری که نه به ذبح سنت در پای مدرنیته راضی است نه بالعکس، بلکه تثبیت کبان حوزه را در راستای معادله‌ای می‌خواهد که از سویی بر مبانی سنت استوار است و از سوی دیگر، از مدرنیته گسست ندارد؛ زیرا عصری شدن، کاملاً به مصلحت سنت است؛ زیرا، همین سنت است که ضامن ثابت‌قدم ماندن حوزه و به کار بستن پیشینه درخشان آن است. پیشینه‌ای که در پویایی خویش، ثروتی کلان از تجربه‌ها و روش‌های تاریخی را داراست. اصالت هم‌چنین، راهی است به سوی ساختن آینده‌ای روشن.

طرح حاضر، بخشی از این رویکرد (رویکرد سوم) و گامی است مهم در راستای جمع متعادل میان سنت و مدرنیته.

سخن فرجامین ما این است که: حمد از آن پروردگار جهانیان است.

نجف‌علی میرزایی

مرکز آموزش عالی دینی و پژوهش‌های اسلامی رسول اکرم ﷺ